

## «مدارس مذهبی» بخشی دوباره و مهم در جامعه سوئد

مهین علیپور

۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵

بحث مدارس مذهبی اخیرا در جامعه سوئد دوباره مورد توجه قرار گرفته است. حدود دو سال پیش در ادامه یک تحقیق تلویزیونی از مدارس مذهبی پرده از نمای دروغین و بظاهر آموزشی این مدارس برداشته شد. که بیشترین مصاحبه ها و فیلمبرداریهها بدون اطلاع درست مسئولین مدارس مذهبی در سوئد صورت گرفته بود، گاهها مدیران این مدارس از دیسپلین مذهبی و سخت مدارس سخن می راندند. از کنترل دختران بچه های خردسال و گزارش دهی چگونگی رفتار این بچه ها به خانواده ها با افتخار صحبت می شد. از اینکه مسئولین این مدارس موظفند که خواسته های والدین را در مورد رفتار کودکان در مدارس رعایت کنند آنرا جز وظایف اصلی خود میدانستند. آنها از شکنجه های روحی و حتی تنبیه بدنی در این مدارس نام بردند در زمانیکه این بچه ها تحت تحمل این محیط سخت دست به عصیان میزنند.

ترسیم یک محیط قرون وسطائی، سخت و مذهبی با جداسازی دختران و پسران کوچک از همدیگر واقعیتی بود که میلیونها بیننده تلویزیونی در سوئد از زبان خود مدیران این مدارس می شنیدند. اعتراض وسیع مردم و گروههای مدافع حقوق کودکان از این مدارس بالا گرفت و بسیاری خواستار رسیدگی و کنترل دولت از طریق اداره کل مدارس به این نهادها شدند. مدافعینی مثل ما که خواهان مدارس سکولار با شعار جدائی مذهب از آموزش بودند، خواستار بسته شدن فوری این مدارس و جلوگیری از دادن امتیاز به هر نوع مدرسه مذهبی شدند. آب از آب تکان نخورد و بسیاری از مسئولین دولتی در ارگانهای دولتی و مدافعین این مدارس خواهان محاکمه مجریان این برنامه شدند و آنها متهم به دروغ پردازی گردیدند.

می توانم به جرات از جانب تمامی مدافعین حقوق زنان و کودکان که با پلاتفرم حقوق برابر برای همه، بدون توجه به هرگونه تعلقات گوناگون افراد و یک آموزش و قانون سکولار مبارزه میکنند بگویم که حتی قبل از افشای مدارس مذهبی ما خواستار بسته شدن مدارس مذهبی در سوئد بودیم. این البته فقط بخشی از مطالبات ما بود، در تمام این مدت با افشاگری به طرق مختلف از مقاله نویسی تا برپایی دهها کنفرانس و سمینار و جلسات متعدد و . . . در جهت ممنوعیت حجاب کودکان، ختنه و آموزش سکولار برای تمامی کودکان بطور مستمر تلاش کردیم.

هم اکنون ضرورت برخورد و پاسخ به این معضل اجتماعی دوباره در جامعه مطرح گردیده است. بحث پیرامون این مدارس بخصوص مدارس اسلامی در حزب مردم سوئد از این نمونه است. اخیرا حزب مردم (شاخه انجمن مهاجران لیبرال، LIF) اطلاعاتی ای پیرامون یک مناظره رو در رو در مجلس، بین دو نماینده از این حزب در مقام موافق و مخالف مدارس اسلامی را انتشار داد. متن این اطلاعیه گویای دوگانگی نظر در سطح بالای این حزب نسبت به وجود مدارس اسلامی در

سوئد است.

در اطلاعیه چنین آمده است. مدارس مذهبی میتواند وسیله ای برای حمل و انتقال فرهنگ ها در جامعه باشد. در یک جامعه چند فرهنگی میتوان از طریق رهبری گروههای مذهبی اشکالاتی در عمل در این مدارس بوجود آید. این مدارس میتوانند ناقض حقوق پایه ای فردی در صورت غلبه تمایلات گروهی شان باشند. این اطلاعیه این چنین ادامه میدهد. مدارس مذهبی بیشتر موضوعی قابل بحث، پس از ترور در لندن شده است. آیا مدارس مذهبی باید ممنوع گردند؟ این موضوعی است که بحث خواهد گردید. این بحث بین دو نماینده مجلس بنام نیامکو صابونی مخالف مدارس اسلامی و آنا ماریا نارتنی موافق مدارس اسلامی در روز ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۵ در مجلس قسمت جذب مردم ، صورت خواهد گرفت.

به اتفاق دوستان دیگری همراه ماتریال کافی در مورد ضدیت این مدارس با حقوق بچه ها و آلترناتیوهای ارائه شده در دفاع از حقوق کودکان برای شرکت در این جلسه به محل رفتیم. در این جلسات وجود جریانات مدافع سکولاریسم و حقوق برابر بدون قیدوشرط، برای زنان و کودکان همیشه ضروری است. وجود جریاناتی که بدون ممایشات و ترس از هر چیزی جرات افشای مذهب و افکار سازی پیرامون آنرا را در این رابطه دارند.

خانم نیامکو صابونی کاملا مخالفت مدارس مذهبی بود و سند این ادعای خود را سابقه بد آموزشی و برخورد با کودکان در این مدارس میدانست. او موضع بسیار مترقی داشت و از برخورد مسئولین حتی در مدارس دولتی با بچه های مسلمان انتقاد میکرد . انتقاد وی از این جهت بود که این مدارس جانب مذهب را گرفته و برخورد دوگانه ای با بچه های مهاجر میکنند . بچه ها از کلاس شنا و موسیقی بنا به درخواست خانوادههایشان محروم میشوند و گو اینکه آموزش ایندو برای کودکان اجباری است . او شدیداً خواستار بسته شدن مدارس مذهبی در سوئد بود. از نظر وی هر خانواده ای صلاحیت این را ندارد که منفعت کامل بچه ها را بخواهد. اداره مدارس مذهبی بصورت کانونی درست شده تحت نظر و شرایط ارائه شده از طرف مسئولین این مدارس و خانواده ها است .

سخنگوی دیگر خانم آنا ماریا نارتنی بود که از یک گذشته سیاه و تاریک در زمان کودکی خود که یک مدرسه کاتولیک نجاتگر آن بوده است صحبت میکرد. وی بدین اصل کاملا معتقد بود که آموزش مذهب در زمان کودکی باید صورت گیرد و اگر این دوره بگذرد برای این کار بسیار دیر است. گفتار وی مملو از نفرت از آتیسیم و کمونیسم بود. وی خواهان کمک بیشتر به این مدارس شد و نمونه های منفی از این مدارس را استثنائی و ناشایخ برای همه این مدارس میدانست.

بیشتر حاضرینی که وقت صحبت یافتند، در ممنوعیت مدارس مذهبی سخن گفتند. این بحث در

بخشهای دیگری از جامعه هم مطرح گردیده است که این خود نه تنها نشان دهنده نتایج زیانبار این مدارس برای تربیت و آموزش کودکان بلکه ارتباط این مدارس را با نهادها و تشکلهای ارتجاعی در جامعه و نیروهای عقب گرا نیز نشان میدهد.

